



نقد عوامل انسجام واژگانی در خطبه

غدیریة امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۰

علی اکبر نورسیده^۱، مسعود سلمان حقیقی^۲

چکیده

انسجام مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن متمایز و مشخص می‌کند. انسجام به سه دسته دستوری، واژگانی و پیوندی تقسیم می‌شود. این پژوهش به بررسی عناصر انسجامی متن بر اساس نظریه مایکل هالییدی و رقیه حسن در خطبه غدیریة امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد. بر اساس این نظریه آنچه متن را منسجم و یکپارچه و از نوشته‌های پراکنده و از هم گسیخته متمایز می‌سازد، عامل انسجام است. در این گفتار بر اساس روش توصیفی تحلیلی و با ترسیم نمودار، عوامل واژگانی انسجام بخش متن، چون (هم‌آیی، تضاد، انسجام دستوری و مراعات النظیر) و تکرار (واژه و عبارت) از متن خطبه غدیریة استخراج و با آوردن مثال‌هایی تحلیل شد. نتیجه اینکه عوامل انسجام در متن خطبه رعایت و باعث منسجم و پیوسته‌تر شدن آن شده است. آنچه متن خطبه را منسجم کرده است صرفاً رعایت اصل انسجام نیست؛ بلکه ناشی از تناسب درونی موجود بین لایه‌های متن خطبه است که برخاسته از فهم عمیق صاحب کلام و درک ماورای روابط بین واژگان و نیز قدرت خلق و آفرینش ادبی و دمیدن روح به کالبد کلمات است؛ امری که چون به درستی صورت پذیرفته به رستخیز کلمات انجامیده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، خطبه غدیریة، تحلیل گفتمان، انسجام، عامل واژگانی.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول): noresideh@semnan.ac.ir
 ۲. کارشناس ارشد مترجمی، دانشگاه سمنان: salmanihaghighi@semnan.ac.ir

مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی به عناوینی همچون مقال، سخن‌کاوی، سخن، کلام و سخن‌سنجی و تحلیل کلام ترجمه شده است، نوعی گرایش مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ظهور یافت. گفتمان با واحد بزرگ‌تری از جمله سر و کار دارد. سخن‌کاوی و تحلیل گفتمان، اصطلاحاتی در علم زبان‌شناسی هستند که به توصیف کلام مرتبط و پیوسته معنی‌دار بزرگ‌تر از جمله، شناخت پیوندهای درون‌متنی و ارتباط داخلی بین بخش‌های گوناگون و اجزای متن می‌پردازند و رابطه یک گفته را با گفته قبل نشان می‌دهند. به طور کلی، زبان‌شناسان در تحلیل گفتمان برای متن هفت ویژگی اساسی را بر می‌شمرند: ۱. انسجام ۲. پیوستگی معنایی ۳. قابلیت پذیرش ۴. قصدمندی ۵. ویژگی اطلاعاتی ۶. ویژگی موقعیتی ۷. ویژگی درون‌متنی (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸). طی دهه‌های اخیر، این مقوله در عرصه نظریه‌های ادبی، فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاست، روان‌کاوی و حتی روان‌شناسی اجتماعی و نیز سایر رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه و عمل اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرار گرفته است. اساس کار این پژوهش بررسی عناصر انسجامی و پیوستگی از میان هفت ویژگی فوق است؛ چرا که تنها این دو عنصر متن محور هستند و پنج ویژگی دیگر رویکرد کاربردی به متن دارند و درباره نحوه ارتباط و تعامل متن و خواننده بایکدیگرند. در این مقاله به دلیل اهمیت و جایگاه سخنان امام رضا (علیه السلام) و تأثیر فراوانی که در تبیین رسالت ائمه در جوامع جور دارد، خطبه غدیری^۲ امام رضا (علیه السلام) انتخاب شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس نحوه و میزان استفاده از عامل واژگانی به صورت آماری در قالب نمودار به نمایش گذاشته شد.

بیان مسئله

از دیدگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، انسجام ارتباط داخلی موجود میان بخش‌های گوناگون از ساختار جمله را توسعه می‌دهد و همچنین رابطه‌های بیرونی میان یک جمله

1. Discourse analysis

و جمله دیگر از همان متن را روشن می‌کند. گوت وینسکی نیز معتقد است «متون ممکن است دارای انسجام ضعیف‌تر و یا قوی‌تر باشند؛ اما هیچ متنی بدون انسجام نیست» (Gutwinski, 1976:33).

هالیدی و حسن ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند. در این بررسی، آن‌ها روابط بین جمله‌ای متن را انسجام نامیده، آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنای موجود در متن اشاره دارد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن متمایز و مشخص می‌نماید» (Halliday and Hassan, 1976:4). این دو زبان‌شناس، وجود انسجام متنی را منوط به تعبیر و تفسیر عناصری در متن می‌دانند که به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر وابسته باشند. از نظر آنان، انسجام جزئی از نظام زبان است؛ بنابراین به عنوان یک ارتباط معنایی، به وسیله عواملی شناخته می‌شود که واژه‌ای یا دستوری است. این عوامل انسجام که معنایی و غیر ساختاری هستند، به یک متن، متنیت می‌بخشند.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع این مقاله می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- علیرضا نظری و نرگس انصاری (۲۰۱۳م)، در مقاله‌ای مؤلفه انسجام بخش حذف را در ۳۰ خطبه نهج البلاغه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که حذف در چهار سطح حرفی، اسمی، فعلی و جمله به انسجام متنی در نهج البلاغه انجامیده است.

- کلتوم صدیقی و عاطفه ستایش مهر، (۱۳۹۴) هم در مقاله خود عامل انسجام بخش «ارجاع» را در ۲۸۵ جمله منتخب از نهج البلاغه و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آن‌ها از طاهره صفارزاده بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متن عربی و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی را آن در رعایت مؤلفه انسجام بخش مذکور تفاوت معناداری وجود دارد.

- علیرضا نظری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای ضمن بررسی کارکرد ادات ربط در ایجاد انسجام در ۳۰ خطبه از نهج البلاغه، به این نتیجه رسیده است که بسامد بالای ادوات ربطی به ویژه ادوات ربطی افزایشی به انسجام خطبه‌ها منجر شده است.

- معصومه نعمتی قزوینی و طاهره ایشانی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای ضمن بررسی کاربست عوامل انسجام در سوره "أعلى" و ترجمه آن از طاهره صفارزاده، نشان داده‌اند که مترجم در انتقال مفاهیم آیات سعی نموده از ساختار متن اصلی تبعیت کند که این امر حاکی از موفقیت وی در بازتاب عوامل انسجام دستوری و واژگانی در ترجمه است.

با بررسی موارد مذکور که بخشی از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه است به لزوم انجام تحقیق‌های بیشتر در حوزه ادب اهل بیت (علیهم‌السلام) و ضرورت تحلیل آن بر اساس جدیدترین نظریه‌های زبان‌شناسی به منظور اثبات غنای بالای این ادبیات پی می‌بریم. در این تحقیق ضمن بررسی خطبه غدیریه به تحلیل تنها یکی از عناصر انسجام بخش متن به هدف نمایاندن غنای آن می‌پردازیم، تا تنها گوشه‌ای از بلاغت و انسجام متنی بالای موجود در آن را نشان دهیم، امری که تاکنون در هیچ رساله یا تحقیقی به آن پرداخته نشده است.

۱. تحلیل گفتمان متون اسلامی

گفتمان در هر برهه‌ای از زندگی اجتماعی انسان در چارچوبی و رویکردی خاص تعریف و شناسانده شده است و در شکل‌گیری و تکوین آنچه امروزه تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان مطرح می‌شود، تاثیر بسزایی داشته است. تحلیل گفتمان در میان علمای اسلامی در قالب‌های مختلف، نظیر نقد ادبی، علم خطابه و بلاغت که شامل بیان و بدیع می‌شد، تجلی یافت. از ابتدا علمای اسلامی دریافتند که در متن با واحدی بزرگ‌تر از جمله سر و کار دارند. «نصّ به عنوان يك اصطلاح، از قرون اولیه اسلامی کاربرد داشته است؛ با این حال علمای اصول، همچون مروزی، زرکشی، قشیری و... به تعریف

جامعی از متن نرسیده‌اند و نگرش رایج از نظر اصولیین این است که نصّ سخنی است که حاوی حکمی صریح و یقینی باشد؛ بدون گمان احتمال و تأویل. به عبارت دیگر نصّ سخنی است که یک تأویل دارد» (حمیری، ۲۰۰۸: ۳۷-۴۷). در تعاریف نحوی از متن، در واقع عنصر مهم، انسجام است. «در این تعاریف جملات جزئی از متن هستند و متن مجموعه‌ای از جملات که به گونه‌ای یک دور را نشان می‌دهد» (پروینی و نظری، ۱۹۳۹: ۱۲۶). در آثار مربوط به بلاغت، کلماتی از نوع استحکام، انسجام، پختگی، جزالت، سلامت، سهل ممتنع و... بسیار دیده می‌شود. در حقیقت باید گفت تلقی قدما از مفهوم انسجام، تحت مقوله خاصی تبیین نشده است. اگر سیر تاریخی موضوع را در کتب بلاغت دنبال کنیم، می‌بینیم که تا عصر ما، هیچ یک از قدما تعریفی برای اصطلاحاتی از نوع «انسجام» یا «استحکام» نیاورده‌اند. ظاهراً مفصل‌ترین بحث در این باب، بحثی است که صاحب أنوار الزّبیع، در عنوان انسجام آورده است: «انسجام در لغت جاری بودن است و در اصطلاح آن است که کلام از عذوبت الفاظ، سهولت ترکیب، حسن سبک برخوردار و خالی از تعقید و تکلف باشد. فرهنگ عرب در تجزیه و تحلیل زبان و متون در چهار زمینه تحقیقی مبدع رهیافت‌های بسیار جالبی بوده‌اند که عبارت است از: نقد ادبی، بلاغت در مفهوم یونانی آن یعنی خطابه، اصول فقه، بلاغت در مفهوم اسلامی عربی آن یعنی معانی و بیان» (قومی و آذرناو، ۱۳۹۲: ۷۴). بنابراین می‌توان گفت زبان‌شناسی امروز پیرو و دنباله‌روی زبان‌شناسی کهن اسلامی است و با وجود وجوه افتراقی که وجود دارد نقطه مشترک تمام آن‌ها بررسی زبان است.

البته باید این نکته را نیز خاطر نشان شویم که «مفاهیم دانشمندان اسلامی در قرن دوازدهم همان مفاهیم و رویکردهای زبان‌شناختی است که در دهه هفتاد قرن بیستم در زبان‌شناسی اروپا و آمریکا در قالب رویکردهای کاربردشناسی مطرح می‌گردد؛ مفاهیمی همچون جمله، کلام، خوش ساخت، متکلم، مخاطب، کلام اطلاعاتی، کلام کنشی، معنی اولیه (صریح)، معنی ثانویه (ضمنی)، موقعیت ارتباطی، مقتضای حال (موقعیت‌های مورد نیاز)، بافت موقعیتی و... جالب‌تر اینکه در سنت مطالعات زبان‌شناختی اسلامی، فلاسفه و علمای علم کلام (بلاغت) همان مراحل را طی می‌کنند که زبان‌شناسی اروپایی در

دهه‌های اخیر مطالعات زبان شناختی گذراندند» (همان ۶۱).

همان‌طور که بیان شد گفتمان اسلامی تأثیر و حضور پررنگی در مقوله گفتمان دارد؛ امری که به خوبی بیانگر تأثیر شگرف گفتمان اسلامی در جدیدترین مباحث زبان‌شناسی رایج امروز در جهان غرب است.

۲. جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) و آثار ایشان

امام رضا (علیه السلام) (۱۴۸-۲۰۳ق) هشتمین امام شیعه اثنی‌عشری، ۲۰ سال امامت راه عهده داشت. کنیه امام ابوالحسن و مشهورترین لقبش رضاست (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۶۱). صابر، رضی و وفی از دیگر القاب آن حضرت است (امین عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۶۴). نقل شده است که امام کاظم (علیه السلام) به فرزندانش می‌گفت: «برادر شما علی بن موسی، عالم آل محمد است» (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۶۴). یکی دیگر از القاب مشهور حضرت «عالم آل محمد» است. این لقب نشانگر ظهور علم و دانش ایشان است. جلسات مناظره متعددی که امام با دانشمندان بزرگ عصر خویش، به ویژه علمای ادیان مختلف انجام داد و در همه آن‌ها با سربلندی تمام بیرون آمد دلیل کوچکی بر این سخن است. این توانایی و برتری امام، در تسلط بر علوم یکی از دلایل امامت ایشان است و با تأمل در سخنان ایشان در این مناظرات، کاملاً این مطلب روشن می‌گردد که این علوم جز از یک منبع وابسته به الهام و وحی نمی‌تواند سرچشمه گرفته باشد. امام رضا (علیه السلام) حدود ۱۷ سال (۱۸۳-۲۰۰ یا ۲۰۱) از دوره امامت خود را در مدینه حضور داشت و از جایگاه ویژه‌ای در میان مردم برخوردار بود. خود امام در گفت‌وگویی که با مأمون درباره ولایت‌عهدی داشت، در توصیف این دوره گفته است: همانا ولایت‌عهدی هیچ امتیازی را بر من نیفزود. هنگامی که من در مدینه بودم فرمان من در شرق و غرب نافذ بود و وقتی سوار بر مرکب خود، از کوچه‌های مدینه عبور می‌کردم، کسی عزیزتر از من نبود (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۲۴۸). درباره جایگاه علمی امام در مدینه نیز از خود ایشان نقل شده است: من در مسجد پیامبر می‌نشستم و دانشمندانی که در مدینه بودند، هرگاه در مسئله‌ای درمی‌ماندند، همگی به من ارجاع

می‌دادند و سؤالاتشان را نزد من می‌فرستادند و من به آن‌ها پاسخ می‌دادم (همان، ج ۸: ۲۶۷). در صورتی که بخواهیم به برخی از آنچه درباره شخصیت علمی امام رضا (علیه السلام) بیان شده، اشاره کنیم می‌توان به سخنی از ابن ابی الحدید معتزلی اشاره کرد که می‌گوید: «امام رضا (علیه السلام) «أعلم الناس» یعنی داناترین مردم است (معتزلی، ۱۳۹۳، ج ۱۲: ۲۵۴). یکی دیگر از مسائلی که می‌توان به جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) پی برد، نگاه به اسامی شاگردان ایشان است؛ شاگردانی که برخی از آن‌ها خودشان از عالمان و بزرگان علمی عصر خودشان بوده‌اند و به شاگردی امام هشتم (علیه السلام) افتخار می‌کرده‌اند.

برخی نویسندگان، از امام رضا (علیه السلام) به جز احادیث و اخباری که از آن حضرت نقل کرده‌اند یا پاسخ کسانی که برای فهم مسائل علوم و معارف به آن بزرگوار مراجعه کرده‌اند مثلاً کتاب عیون أخبار الرضا بسیاری از این مسائل را نقل کرده است، تألیفاتی نیز ذکر کرده‌اند که صحت انتساب آن‌ها نیازمند دلایل کافی است و استناد برخی از آن‌ها قابل اثبات نیست. از جمله این تألیفات کتاب «الفقه الرضوی» است که محققان، نپذیرفته‌اند که این کتاب نوشته امام رضا (علیه السلام) باشد (فضل الله، ۱۳۷۷: ۱۸۷). اثر دیگری که به امام رضا (علیه السلام) نسبت داده شده است، «الرسالة الذهبیه» در پزشکی است. گفته شده است که امام این رساله را در حدود سال ۲۰۱ قمری برای مأمون فرستاد و مأمون برای نشان دادن اهمیت آن دستور می‌دهد که با طلا نوشته و پس از آن در خزانه دارالحکمه نگهداری شود و به همین مناسبت است که آن رساله ذهبیه نامیده‌اند. بسیاری از علما بر این رساله شرح نوشته‌اند (همان). از دیگر آثار نسبت داده شده به امام رضا (علیه السلام) «صحیفه الرضا» در فقه است که انتساب آن به ایشان ثابت نشده است. کتاب دیگری که به امام رضا (علیه السلام) نسبت داده شده است، کتاب «محض الإسلام و شرایع الدین» است که ظاهراً اطمینانی به انتساب این کتاب به امام نیست (همان).

۲-۱. خطبه غدیریه

غدیر خم نقطه اوج اسلام است. روز اکمال دین و اتمام نعمت‌های الهی بر امت اسلامی

و روزی است که خدای متعال بندگان خویش را برای استمرار حرکت در مسیر حق و حقیقت به ولایت علی ابن ابیطالب (علیه السلام) و خاندان پاکش دعوت کرد. عظمت این روز همواره مورد تأکید پیشوایان دین و ائمه معصومین (علیهم السلام) قرار گرفته و هر یک از امامان به فراخور حال در خصوص این روز بزرگ بیاناتی داشته‌اند. از جمله آن‌ها خطبه‌ای است که از حضرت رضا (علیه السلام) در این باره ایراد شده است. امام در فرازهای مختلف از «خطبه غدیریه» ویژگی‌ها و اهمیت این روز بزرگ را بیان می‌کند؛ زیرا در این روز فرج و گشایش بزرگی حاصل شده که مشکلات و نابسامانی‌ها را مرتفع ساخته است. حضرت در این خطبه بیان می‌دارند: هر چند «علی راه خداست» اما در راه متوقف نشوید، زیرا راه برای پیمودن و رسیدن به مقصد متعالی هستی است؛ ایشان تأکید دارند که تفسیر قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفت دینی و شیوه زندگی را از علی (علیه السلام) بیاموزید تا در پیشگاه الهی گرفتار شرک و کفر نشوید. تمامی این مسائل و نکات آموزنده و تأثیرگذار را می‌توان در بافت متن خطبه و اصول زبانی به کارگرفته شده در آن درک کرد. این خطبه در کتاب «إقبال الأعمال» مرحوم سید ابن طاووس، فصل ششم، باب پنجم ذکر شده است که در ادامه مرور می‌کنیم. قابل ذکر است که با توجه به طولانی بودن متن خطبه و تکرار بخش‌هایی از آن هنگام استناد به هر یک از عناصر انسجام‌آزگانی این امر به اطاله و تکرار قسمت‌هایی از خطبه انجامیده است.

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا تُزْفُ الْعَرُوسُ إِلَى خِدْرِهَا قِيلَ مَا هَذِهِ الْأَيَّامُ قَالَ يَوْمُ الْأَضْحَى وَيَوْمُ الْفِطْرِ وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ وَيَوْمُ الْغَدِيرِ وَإِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمًا وَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَوَصَّاءَتَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ وَيَوْمُ مَرْعَمَةِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمٌ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الشَّيْخَةِ وَمُحِبِّي آلِ مُحَمَّدٍ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمِلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْثُورًا وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جِبْرَائِيلُ (علیه السلام) أَنْ يَنْصَبَ كُرْسِيَّ كِرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَيَصْعَدُهُ جِبْرَائِيلُ (علیه السلام) وَتَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَيَتَنَوَّنَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِشَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ (علیهم السلام) وَمُحِبِّيهِمْ مِنْ وُلْدِ آدَمَ (علیه السلام)

وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُحِبِّي أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَشَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ، وَلَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ شَيْئاً مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةً لِمُحَمَّدٍ
 وَعَلَى وَالْأُئِمَّةِ. وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذَوِي رَحِمَةٍ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ
 اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَوَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ وَيَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَهُوَ
 الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْعَةِ مَشْكُوراً وَذَنْبَهُمْ مَغْفُوراً وَعَمَلَهُمْ مَقْبُولاً. وَهُوَ يَوْمُ
 تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَيَوْمُ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ وَيَوْمُ الْحَبَاءِ وَالْعَطِيَّةِ وَيَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ وَيَوْمُ الْبَشَارَةِ وَالْعِيدِ
 الْأَكْبَرِ، وَيَوْمُ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَيَوْمُ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ، وَيَوْمُ لَبْسِ الثِّيَابِ وَنَزْعِ السَّوَادِ،
 وَيَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَيَوْمُ نَفْيِ الْهُمُومِ وَيَوْمُ الصَّفْحِ عَنْ مُذْنِبِي شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَهُوَ
 يَوْمُ السَّبْقَةِ، وَيَوْمُ إِكْتَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَيَوْمُ الرِّضَا، وَيَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ
 مُحَمَّدٍ، وَيَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ، وَيَوْمُ طَلْبِ الزِّيَادَةِ وَيَوْمُ اسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَوْمُ الْمُتَاجِرَةِ، وَيَوْمُ
 التَّوَدُّدِ، وَيَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ، وَيَوْمُ التَّزْكِيَةِ، وَيَوْمُ تَرْكِ الْكِبَائِرِ وَالذُّنُوبِ وَيَوْمُ الْعِبَادَةِ
 وَيَوْمُ تَفْطِيرِ الصَّائِمِينَ، فَمَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِماً مُؤْمِناً كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فِئَماً وَفِئَماً - إِلَى أَنْ
 عُدَّ عَشْراً، ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْرِي مَا الْفِئَامُ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: مِائَةُ أَلْفٍ. وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِيَةِ يَهْتَفِي
 بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأُئِمَّةِ (عليهم السلام) وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ
 فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَى لَهُ
 قَصْراً فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ
 لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُونَ
 لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ شَهِيداً وَإِنْ عَاشَ عَاشَ سَعِيداً، وَمَنْ
 أَطْعَمَ مُؤْمِناً كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَمَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِناً أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ
 سَبْعِينَ نُوْراً وَوَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَبَرَزَ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَيُبَشِّرُونَ بِالْجَنَّةِ. وَفِي
 يَوْمِ الْغَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ لَوَلَايَةِ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَسَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّبَاعَةِ
 فَرَزَيْنَ بِهَا الْعَرْشَ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَرَزَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا
 أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَرَزَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ، ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ مَكَّةَ فَرَزَيْنَهَا بِالْكَعْبَةِ،
 ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ (عليه السلام)، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَرَزَيْنَهَا بِأَمِيرِ

المؤمنين عليه السلام، وَعَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوْلُ جَبَلٍ أَقْرَ بِذَلِكَ ثَلَاثَةُ جِبَالٍ: جَبَلُ الْعَتِيقِ وَجَبَلُ الْفَيْرُوزِجِ وَجَبَلُ الْيَاقُوتِ، فَصَارَتْ هَذِهِ الْجِبَالُ جِبَالَهُنَّ وَأَفْضَلَ الْجَوَاهِرِ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا جِبَالٌ أُخْرَى، فَصَارَتْ مَعَادِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَمَا لَمْ يَقْرَ بِذَلِكَ وَلَمْ يَقْبَلِ صَارَتْ لَا تُثْبِتُ شَيْئاً. وَعَرَضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ مِلْحًا أَجَاجًا، وَعَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الثُّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُوًا طَيِّبًا، وَمَا لَمْ يَقْبَلِ صَارَ مُرًّا، ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصِيحًا مُصَوِّتًا وَمَا أَنْكَرَهَا صَارَ أُخْرَسَ مِثْلَ الْإِلْكَنِ، وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قُلُوبِهِمْ ولاءٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُجْمٍ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِأَدَمَ، وَمَثَلُ مَنْ أَبِي وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مِثْلُ إِبْلِيسَ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (المائدة، ٤٨)، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَكَانَ يَوْمَ بَعَثَهُ مِثْلَ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَعُرِفَ حُرْمَتُهُ إِذْ نَصَبَ لِأَمْتِهِ وَصِيًّا وَخَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ» (سيد ابن طاووس، ١٩٩٦م، ج ١: ٤٦٤).

حضرت در فرزای از ابتدای این خطبه می فرماید: همانا (برتری) روز غدیر در میان عید قربان و فطر و جمعه مانند در خشندهگی ماه است در بین ستارگان و آن روزی است که ابراهیم خلیل از آتش نمرود نجات یافت. عید غدیر بزرگترین عید امت اسلام است؛ چرا که واقعه غدیر ممیز میان حق و باطل و اسلام ناب و تحریف شده است و به واقع پذیرش ولایت علی عليه السلام تسلیم در برابر اسلام حقیقی است. حضرت در ادامه می فرماید: «هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ عَلِيًّا أَمِيرًا مُؤْمِنِينَ عُلَمَاءَ وَأَبَانَ فُضِيلَتَهُ وَوَصَاءَتَهُ»؛ آن روزی است که خداوند با منصوب نمودن علی عليه السلام به عنوان علم و شاخص هدایت و آشکار ساختن فضیلت و وصایت او توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دین خود را کامل نمود.

علی عليه السلام شاخص هدایت و میزانی دقیق برای سنجش درجه ایمان و هدایت یافتگی هر مسلمان است. آنکه بر ولایت او و فرزندانش گردن نهد هدایت یافته، هر که از این ولایت سربچی کند در مسیر ضلالت گام بر می دارد. «آن چنان که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم «وَهْدَى مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ» هر کس به ریسمان ولایت شما اهل بیت چنگ زد، هدایت شد. یا اینکه در جامعه کبیره از اهل بیت به عنوان «القادة الهداة» یعنی پیشوایان هدایت یاد شده است. همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: «هر کس دوست دارد

که به مانند من زندگی کند و همچون من بمیرد و به آن بهشتی که خداوند وعده داده وارد شود، پس باید علی و اولادش را دوست بدارد، همانان که پیشوایان هدایت و چراغ‌های شب تار هستند، آنان هیچ گاه شما را از مسیر هدایت به سمت گمراهی سوق نخواهد داد» (حنفی قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۸۲).

امام رضا (علیه السلام) در ادامه خطبه می‌فرماید: روز غدیر، روز کمال و روز به خاک مالیدن بینی شیطان و روز قبولی اعمال شیعیان و محبان آل محمد (علیهم السلام) است و آن روزی است که خدای متعال تمام اعمال مخالفینش را ساقط نموده و نابود می‌سازد. غدیر علاوه بر اینکه روز اکمال دین است، می‌تواند روز کمال و تکامل هر مسلمان مؤمنی باشد، چرا که پذیرفتن ولایت علی (علیه السلام) و اولادش گام نهادن در مسیر کمال و تعالی است. شیطان نیز همواره امیدوار است که از راهی بتواند انسان‌ها را فریب داده، از مسیر هدایت باز گرداند. در روز غدیر که تکلیف هدایت مسلمانان پس از پیامبر روشن شد، بینی شیطان به خاک مالیده شد، از همین رو هر که در مسیر هدایت گام نهاده عبادتش مورد قبول است و کسی که به بیراهه رفته است، عبادتی از او پذیرفته نمی‌شود، آن چنان که در روایت داریم: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيْمَانَ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ» (همان: ۳۶۵)؛ خداوند ایمان هیچ بنده ای را نمی‌پذیرد مگر به ولایت علی و برائت از دشمنان او.

۳. انسجام

از منظر دانش زبان‌شناسی، انسجام ابزار زبانی است که نقش اساسی را در تحقق متنیت یا ساختار متن ایفا می‌کند. انسجام به مناسبت‌های معنایی اشاره می‌کند که میان عناصر یک متن وجود دارد و به واسطه عمل آن‌ها تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر است. انسجام مجموعه همه زیبایی‌هایی شعر و نثر و یک مفهوم معنایی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۶۹). این اصطلاح برای اولین بار توسط مایکل هالیدی و رقیه حسن در کتاب «انسجام در انگلیسی» مطرح شد. آن‌ها انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیر متن را میسر

می‌سازد (Halliday and Hassan, 1976:4-6). بر اساس این تعریف، متن یک واحد معنایی است که در آن معنا به کمک ابزارهای ویژه موجود در متن که شامل ابزارهای دستوری و واژگانی است و ارتباط میان آن‌ها دریافت می‌گردد. به عبارت دیگر، لایه معنایی متن به وسیله لایه دستوری و واژگانی تحقق یافته و در نهایت این لایه نیز توسط نظام گفتاری و نوشتاری (دستگاه صوتی و املایی) نمود پیدا می‌کند. بر این اساس انسجام متن به واسطه سه عامل به وجود می‌آید: ۱. انسجام واژگانی ۲. انسجام دستوری ۳. انسجام پیوندی (ربطی) (همان: ۵-۶).

۳-۱. بررسی عامل انسجام در متن

هالییدی و حسن سال ۱۹۷۶ عوامل انسجام در زبان انگلیسی را معرفی کردند. هنگامی که سخن از انسجام در گفتار و نوشتار می‌آید، مقصود تمام آن روابط معنایی است که میان عناصر سازنده کلام برقرار می‌شود تا به خواننده یا شنونده این طور القا کند که سلسله‌ای به هم پیوسته و مرتبط از کلام را پی می‌گیرد. بنابراین «آنچه متن را یکپارچه و منسجم می‌سازد، انسجام است. انسجام متن حاصل روابط جمله‌های آن با یکدیگر است (به نقل از راستانی، ۱۳۹۸). انسجام ممکن است در بردارنده پیوندهای واژگانی بین جملات باشد، تکرار کلمات یا کاربرد کلمات مرتبط. انسجام همچنین در بردارنده کلمات ربطی است که نشانگر روابط گوناگون (زبانی، مکانی و منطقی) در مفهوم وسیع کلمه بین جملات است. همچنین ممکن است در بردارنده ارجاع کلماتی باشد که به یک جمله پیشین یا موارد نادرتر به جمله بعدی ارجاع می‌دهد. به عنوان سخن آخر در تکمیل بحث انسجام باید گفت: «انسجام جایی به وجود می‌آید که در آن، تفسیر برخی از عناصر در گفتمان به عناصر دیگر وابسته باشد. یکی پیش انگاشت دیگری است، به گونه‌ای که نمی‌توان به طور مؤثر یکی را بازگشایی کرد مگر با توسل به دیگری. هنگامی که این اتفاق می‌افتد یک رابطه انسجامی برقرار می‌شود و در نتیجه این دو عنصر، پیش انگارنده و پیش انگاشته شده، حداقل به طور بالقوه در یک متن یکپارچه می‌شود» (همان).

۲-۳. تفاوت انسجام و پیوستگی

انسجام و پیوستگی مفاهیمی نزدیک به یکدیگرند و گاهی به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما عمدتاً از یکدیگر متمایزند. «تفاوت انسجام و پیوستگی تقریباً مثل فرق صورت با محتواست» (لاینز، ۱۳۸۳: ۳۴۲). انسجام برای نشان دادن این مسئله است که آیا جملات یک متن با یکدیگر ارتباط دارند یا خیر. انسجام ظاهر و تصویری از متن است اما پیوستگی به پیام‌های زبانی متکی است که از سوی خواننده دریافت می‌شود. عامل انسجام فقط رابطه میان کلمات و عناصر پیوندی درون متن نیست، بلکه عامل دیگری است فراتر از جمله که آن را پیوستگی یا ارتباط مطالب می‌نامیم (به نقل از راستانی، ۱۳۹۸). برای روشن‌تر شدن این موضوع می‌توان گفت:

علی: این روزها هوا سرد شده است.

آرش: الان پنجره را می‌بندم.

در متن مذکور با اینکه هیچ پیوند آشکاری میان دو جمله دیده نمی‌شود، آن‌ها را کاملاً به هم مرتبط می‌دانیم. دانش پیشین آرش باعث می‌شود جمله علی را این‌گونه تعبیر کنیم؛ چون این روزها هوا سرد شده است، پنجره را باید بست. «پیوستگی به تجربیات مشترک میان افراد و بافت و موقعیت کاربردی بستگی دارد. به همین خاطر در گونه محاوره‌ای بیشتر دیده می‌شود و حوزه کاربرد آن به گستردگی انسجام نیست» (همان). در واقع خواننده یا شنونده متن تلاش می‌کند زنجیره‌ای از جملات یک متن را مجموعه‌ای پیوسته فرض کند، حتی اگر ابزار انسجام بخش آشکاری در آن به کار نرفته باشد. «پیوستگی در حقیقت، انسجام بلاغی است که بین فرستنده و گیرنده پیام برقرار می‌شود. برداشتی که نویسنده از زمینه قبلی مخاطبان خود دارد او را وادار می‌سازد که پیش‌فرض‌هایی را درباره آن‌ها مسلم بداند و همین پیش‌فرض‌ها عامل اصلی تعیین سازمان بلاغی متن می‌شوند. اینکه چه مطالبی و چه نکاتی اصولاً باید گفته شود یا نشود، در حقیقت بیشتر امری کلامی است تا زبانی» (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۲۵).

۳-۳. ابزارهای انسجام

هالیدی و حسن، عوامل انسجام متن را به ابتدا به سه گروه کلی تقسیم می‌کنند: انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی (رابطی). سپس برای هر کدام از آن عوامل انسجامی، زیر مقوله‌هایی به این ترتیب در نظر می‌گیرند:



۳-۳-۱. انسجام واژگانی

پیوند واژگانی از عناصر انسجامی در سطح واژگان است. این نوع انسجام بر اثر انتخاب واژه‌های مرتبط به دست می‌آید و حوزه وسیعی دارد. «پیوند واژگانی متن را حضور واژه‌های مشابه و مرتبط پدید می‌آورد. موضوع هر گفته و نوشته این امر را تأمین می‌کند. گوینده‌ای که درباره هوا حرف می‌زند به ناچار از کلماتی نظیر هوا، هوای گرم، هوای سرد، درجه رطوبت؛ ابری، نیمه ابری، آفتابی، خنک، ملایم، بارانی و... استفاده خواهد کرد» (همان: ۲۴). عناصر انسجام واژگانی عبارت است از: هم‌آیی و تکرار، این دو عنصر و زیر مجموعه‌های آن باعث موسیقایی و محتوایی تر شدن متن می‌گردد و با تداعی مفاهیم در ذهن خواننده و شنونده به گیرایی و جذابیت متن می‌انجامد.

۲-۳-۳. انسجام دستوری

منظور از انسجام دستوری این است که ساخت جملات و عناصر دستوری باعث انسجام متون گردد. مانند جایگزین کردن ضمیر به جای اسمی که قبلا در متن ذکر شده است. «انسجام دستوری به واسطه عواملی در متن تحقق می‌یابد که در دو بخش عمده: انسجام دستوری ساختاری و انسجام دستوری غیرساختاری قابل بررسی است» (7-6: Halliday and Hassan, 2002).

۳-۳-۳. انسجام پیوندی

در درون هر متنی، نوعی رابطه معنایی و منطقی وجود دارد که پیکره متن را به هم پیوند می‌دهد. در تعریف عناصر پیوندی زبان می‌توان گفت: «پیوند ربطی، انسجامی است که باید بین جمله‌ها برقرار شود. در هر زبان کلمات و عباراتی هستند که نقش آن‌ها انتقال خواننده و شنونده از جمله‌ای به جمله بعد است» (صلح جو، ۱۳۷۷: ۲۴). بنابراین وجود عناصر پیوندی در متن ضروری است به نحوی که بدون تصور آن متن باز هم گسیخته و هذیان‌وار می‌گردد. این عناصر ربطی پیوندی را می‌توان به چهار نوع اضافی، سببی، تقابلی و زمانی تقسیم کرد.

۴. عوامل انسجام واژگانی

در ادامه ضمن بیان عوامل انسجام واژگانی به نمونه‌ای از خطبه غدیریه و تحلیل هریک از این عناصر خواهیم پرداخت.

۴-۱. هم‌آیی

یکی مهم‌ترین ابزارهای انسجام واژگانی متن، عنصر هم‌آیی است. این بخش از عوامل انسجامی، پیچیده‌ترین بخش انسجام واژگانی محسوب می‌شود که دارای شمول

معنایی است. موضوع هم‌آیی واژگانی^۱ در زیر مجموعه پژوهش‌های مربوط به تعبیرهای اصطلاحی^۲ به ویژه ترکیب‌های واژگانی^۳ می‌گنجد. اصلاح^۴ از سوی فرهنگ‌نگاران شرق اروپا به ویژه روس‌ها برای دلالت بیشتر بر پژوهش‌های واژگانی و قاموسی از جمله هم‌آیی^۵ و اصطلاحات^۶ به کار رفت (طالبی، ۲۰۰۸: ۵۹).

منظور از هم‌آیی «با هم آمدن کلمات مرتبط است، یعنی آن کلمات که از نظر معنای انفرادی یا عرف زبانی با هم سنخیت دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند» (امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۰). گاهی ارتباط میان دو واژه به اندازه‌ای قوی است که به محض شنیدن یک واژه، واژه دیگر در ذهن تداعی می‌شود و انتظار می‌رود همراه آن به کار رود. این ارتباط قوی، نقش بسزایی در انسجام و پیوستگی دارد (ولیی، ۱۳۹۵: ۷۵). هم‌آیی به طرق مختلف در متون به چشم می‌خورد که عبارت اند از: ۱. تضاد ۲. هم‌آیی دستوری ۳. مراعات النظیر.

۲-۴. تضاد

تضاد در بردارنده مفاهیم متضاد است که بین گروه واژگان اسمی و فعلی نمود پیدا می‌کند. «به کارگیری تضاد در سخن علاوه بر انسجام متن زیبایی‌های خاصی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انبساط خاطر: حضور یک پدیده در ذهن بر اصل تضاد، متضادش را تداعی و حاضر می‌کند. این بدین معناست که ذهن بین یک پدیده و متضادش رابطه برقرار می‌کند. این رابطه اگر نو باشد، شاد کننده است. روشنگری: تضاد از نظر شناخت پدیده‌ها و امور بزرگ‌ترین نقش را بر عهده دارد. اصولاً یکی از اسباب شناخت جهان تضاد است؛ مثلاً اگر تاریکی نبود نور معنا نداشت. تاکید: تضاد می‌تواند به کلام تاکید بخشد. ملموس ساختن و تجسم بخشیدن عواطف و مفاهیم:

1. collocation
2. phraseology
3. word combinations
4. phraseology
5. collocations*
6. idioms

تضاد ضمن روشن‌گری، قدرت ملموس ساختن و تجسم بخشیدن دارد و این نقش از نظر زیبایی‌آفرینی از همه مهم‌تر است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۷: ۶۳). امام رضا (علیه السلام) در خطبه مزبور بیشتر از تضادهایی بهره‌جسته که اثبات یک عنصر، نفی عنصر دیگر را می‌طلبد، برای مثال در عبارت:

«وَعَرِضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبْلَ مِنْهَا صَارَ مِلْحًا أَجَاجًا، وَعَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبْلَهُ صَارَ خُلُوعًا طَيِّبًا، وَمَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مُرًّا، ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبْلَهَا صَارَ فَصِيحًا مُصَوِّتًا وَمَا أَنْكَرَهَا صَارَ أَخْرَسَ مِثْلَ الْأَلْكَنِ» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۵).

تضاد یکی از پیوندهای معنایی میان کلمات و یکی از مؤلفه‌های مهم زبان است که در بُعد واژگانی در حوزه مطالعات دستور زبان قرار می‌گیرد. امام رضا (علیه السلام) در این بخش از خطبه بیشتر از تضادهای شدید بهره‌می‌گیرد، بدین معنا که زمانی که یک مفهوم را به کار می‌گیرد هنگام ذکر نقطه مقابل آن، مفهومی را به کار می‌گیرد که مفهوم سابق را کامل نفی می‌کند نظیر عبارت فوق که واژگان: «مِلْحًا، أَجَاجًا، خُلُوعًا وَفَصِيحًا» نفی کامل: «خُلُوعًا، طَيِّبًا، مُرًّا وَأَخْرَسَ» است. در خطبه مزبور حدود ۱۵ تضاد یافت شد که حضرت برای بیان احساسات و باورهای دینی خود درباره غدیر و جاودانگی آن از مفاهیم متضاد بهره‌جسته و با نشان دادن نقطه مقابل مفاهیم بیان خویش را گیراتر و جذاب‌تر ساخته و به اقناع هر چه بیشتر مخاطب منجر شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت حضرت با به‌کارگیری این واژگان منظور و اهداف خود را قوی‌تر و کامل‌تر بیان می‌کند که این امر برقراری ارتباط به مخاطب را آسان‌تر و پرسودتر و معنا و مقصود را در ذهن مخاطب القا می‌کند. میان این واژگان یک تضاد معنایی وجود دارد که ربط کلمات را مشخص می‌کند؛ ربطی که در تضاد مشخص می‌شود و کلمات را مقابل هم قرار می‌دهد. همچنین حضرت برای بیان تضاد واژه‌های نظام یافته‌ای را به کار می‌گیرند که از سازمان یافتگی و فراوانی برخوردار و در ذهن مخاطب انعطاف‌پذیرتر و گسترش‌پذیرتر است که این خود در انتقال مقصود به مخاطب کمک شایانی می‌کند. در نهایت می‌توان گفت مدد گرفتن از عنصر تضاد باعث انسجام و پیوستگی متن خطبه شده است.

۴-۳. هم‌آیی دستوری

هم‌آیی دستوری بدین معناست که دو یا چند واژه که ارتباط خاصی از لحاظ معنایی یا از لحاظ ساختاری با هم دارند در ترکیب‌های مختلف دستوری در کنار هم قرار بگیرند نظیر ارتباط و به هم پیوستگی موجود میان فعل و فاعل، فعل و مفعول، موصوف و صفت و حروف اضافه مخصوص افعال. برای مثال در عبارت: «وَيُعْتَقُّهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۴). فعل یعتق با واژه الله همراه شده است بدین معنا که لزوم رهایی از آتش و جهنم وجود خداوند است. در این عبارت هم‌آیی فعل و فاعل رقم خورده است و همچنین ضمیر «ه» که به عبد باز می‌گردد در عبارت ذکر گردیده است؛ چرا که رهایی از آتش جهنم باید نصیب اشخاص گردد و بدین ترتیب هم‌آیی فعل و مفعول نیز به وجود آمده است. حضرت با بیان این عبارت در خطبه غدیریه به دنبال آشنا کردن انسان با خدا و صفات ایشان است. در واقع هدف ایشان این است که اگر انسان به خدا را بشناسد و از معصیت و نافرمانی او دوری کند از آتش جهنم دور خواهد ماند؛ چرا که یکی از صفات خداوند بخشنده بودن اوست. ساختار و مفهوم این عبارت گویای خواسته‌های مطلوب انسانی و درس‌های آموزنده خداشناسی است. از سوی دیگر حضرت این عبارت را سطح اتکایی برای خارج کردن مخاطب از گرداب خطرناک فکری بشری و امیدوار کردن او به روز قیامت و نیز رساندن او به ساحل امن سعادت‌مندی و بخشش و مغفرت قرار می‌دهد. مثال دیگری که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد هم‌آیی موصوف و صفت است مانند این عبارت: «وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ» (همان). موصوف و صفت به کار رفته در عبارت فوق از حیث معنا و مفهوم دو نوع است، موصوف و صفت اول به روز قیامت اشاره دارد و موصوف و صفت دوم وصف حال فرشتگانی است که به مدد انسان‌های خداجو مبادرت می‌ورزند. حضرت به با کارگیری این نوع هم‌آیی به دنبال آن است تا ذهن مخاطب را برای پذیرش یک حقیقت قطعی یعنی آگاهی و نظارت خدا بر اعمال انسان و حسابرسی آن در قیامت آماده کند، لذا برای بیان این امر از کرام الکاتبین مدد می‌گیرند؛ چرا که وقتی که بنده متوجه شد کسانی هستند که ناظر اعمال اویند مواظبت بیشتری می‌کند و در حضور ملک رعایت می‌کند چون فردا این کارهایش را

شهادت می‌دهند. عنصر هم‌آیی دستوری متن خطبه را منسجم و یکپارچه کرده است. در متن این خطبه حدود ۱۲۹ هم‌آیی دستوری اعمال شده و بیشتر این هم‌آیی‌ها از نوع هم‌آیی فعل و فاعل و مفعول است که حضرت برای بیان و تفهیم مقصود از آن بهره‌جسته است. هالییدی و حسن میزان هم‌آیی واحدهای واژگانی را حاصل دو نوع رابطه یکی با نظام زبانی و دیگری با متن، ذکر می‌کنند.

می‌توان گفت استفاده و بسامد این عنصر بیانگر بافت خاص متن است که برخی مطالب و مفاهیم را باید با توجه به ساختار جمله و عناصر درون متنی به مخاطب القا کرد. امری که به خوبی با استفاده از این عنصر صورت پذیرفته است.

۴-۴. مراعات النظیر

نوع دیگری از انسجام واژگانی است که با گرد هم آمدن واژگان در یک موضوع مشخص سبب انسجام متن می‌شود. این واژگان به نوعی با هم مرتبط‌اند و در واقع در بلاغت به عنوان صنعت مراعات النظیر یا تناسب از آن یاد شده است. این عنصر باعث ارتباط جملات متن و تناسب و استحکام درونی آن می‌شود. حضرت به هنگام بیان کردن خطبه به وفور از تناسب و آوردن کلمات هماهنگ استفاده کرده است که به ذکر چند نمونه از آن می‌پردازیم: «وَهُوَ يَوْمُ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَيَوْمُ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ وَيَوْمُ الْحَبَاءِ وَالْعَطِيَّةِ وَيَوْمُ نُشْرِ الْعِلْمِ وَيَوْمُ الْبِشَارَةِ وَالْعِيدِ الْأَكْبَرِ، وَيَوْمُ يَسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَيَوْمُ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ، وَيَوْمُ لُبْسِ الثِّيَابِ وَنَزْعِ السَّوَادِ، وَيَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَيَوْمُ نَفْيِ الْهَمُومِ وَيَوْمُ الصَّفْحِ عَنِ مَذْنَبِي شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (همان).

در عبارات فوق حضرت میان مفاهیم: تنفیس، کرب، تحطیط، وزر، حباء، نشر العلم، بشاره، عید، دعاء، موقف، لبس الثیاب، نزع السواد، الشرط، نفی الهموم، الصفح عن مذنبی، شیعه و امیرالمؤمنین، تناسب ایجاد کرده که این تناسب سبب شده است واژگان خطبه ارتباط معنایی قوی داشته باشند و در نهایت متنی منسجم پدید آید. آنچه در این میان جلب توجه می‌نماید اینکه استفاده از واژگان دارای دامنه معنایی نزدیک به هم و

در یک حوزه معنایی چون به منظور اثبات هژمونی حقانیت امامت است نه تنها خالی از اشکال است بلکه موسیقی حاصل از این تناسب واژگانی جذابیت دو چندان به متن بخشیده و آن را در سویدای قلب مخاطب جای داده است. قطعاً کلام گیرا و جذاب حضرت این امر را میسر نموده است. در متن این خطبه در حدود ۱۵۶ واژه یافت شد که میان آن‌ها تناسب و هماهنگی وجود داشت.

در نمودار زیر به بیان بسامد و فراوانی انواع با هم‌آبی پرداخته‌ایم:



همان‌طور که در این نمودار ملاحظه می‌شود عنصر مراعات النظیر به دلیل تأثیر فراوانی که در نقل مجموع مفاهیم به مخاطب دارد از بسامد بیشتری در این متن برخوردار است، در کنار آن عنصر هم‌آبی قرار می‌گیرد. طبیعتاً با توجه به درون‌مایه‌های موجود در لایه‌های زبانی متن خطبه شریف از اهمیت برخوردار و ابزار زبانی مهمی برای نقل مبانی اعتقادی است.

۴-۵. تکرار

گاهی برای ایجاد پیوستگی و انسجام متون از تکرار کلمات و عبارات بهره می‌گیریم. تکرار به معنای استعمال متعدد برخی عناصر بیانی در کلام است. «تکرار سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از عناصر متن می‌شود که انسجام متن را به دنبال خواهد داشت. عناصر تکرار شده در متن، ساختار متن را محکم و جانب دلالی آن را تقویت می‌کند. همچنین تکرار کلمات مهم و کلیدی در متن می‌تواند، مضمون اصلی متن را بارز و فهم آن را آسان‌تر سازد» (ولیئی، ۱۳۹۵: ۷۲). در ماهیت تکرار می‌توان این چنین گفت که تکرار اصرار بر جنبه مهمی از سخن است، تکرار نابجا و نابهنگام، حشو محسوب می‌شود؛ چرا که بنابر اصل اقتصاد زبان باید از اطناب که یکی از عوامل تکرار است پرهیز شود، اما در زبان عاطفی، تکرار لازمه هنر آفرینی و خلاقیت هنرمندانه است (همان). عنصر تکرار به دو گونه قابل شناسایی است: تکرار بخشی و تکرار کامل. «در تکرار بخشی، عنصر واژگانی تکرار نمی‌شود، بلکه صرفاً عنصر دیگری از همان حوزه واژگانی آورده می‌شود» (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). برای مثال در عبارت‌های زیر:

- «قِيلَ: مَا هَذِهِ الْأَيَّامُ؟ قَالَ: يَوْمُ الْأَضْحَى وَيَوْمُ الْفِطْرِ وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ وَيَوْمُ الْغَدِيرِ، وَإِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَنِيزٍ: وَفِي يَوْمِ الْغَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ الْوِلَايَةَ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَسَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَرَزَّيْنِ بِهَا الْعَرْشُ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَرَزَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَرَزَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ، ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ مَكَّةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْكَعْبَةِ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ ﷺ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَرَزَيْنَهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۵).

حضرت با تکرار واژگانی چون يوم الغدير، يوم الجمعة، يوم الفطر، يوم الاضحى، أهل السماء، زين، سبق، عرض، در صدد القای مفهوم آن به مخاطب است و به این ترتیب با تکرار نقاط حساس سخن و برجسته ساختن آن توجه مخاطب را به این عبارات معطوف می‌سازد. تکرار واژگانی خاص به منظور القای هژمونیک و اعتقادی معین به مخاطب از

مهم‌ترین ابزارهای تولید و القای معنا به منظور ایجاد مفهوم و معنایی هژمونیک است. از آنجا که امام در صدد اثبات حقانیت خود به عنوان ولی امر مسلمین و در سطحی فراتر در صدد اثبات حقانیت شیعه است، از واژگانی استفاده می‌کند که برای ذهن مخاطب آشنا بوده و با تکرار آن‌ها مفهومی خاص را به آنان منتقل می‌کند. به نظر می‌رسد خطبه غدیریه هم برای اثبات حقانیت و مظلومیت حضرت علی (علیه السلام) و هم برای تفهیم امر ولایت به مردمی است که در جامعه جور و متأثر از حاکمان ظلم خواسته و ناخواسته این حقیقت بزرگ را نادیده انگاشته‌اند. در متن این خطبه در حدود ۱۹۴ تکرار واژه‌های دارای حوزه مشترک معنایی وجود داشت. نکته قابل توجه این است که در خطبه مزبور تکرار کامل وجود ندارد.

جدول زیر بیانگر بسامد و فراوانی عناصر انسجام واژگانی خطبه غدیریه است:



نمودار ۲: بسامد عوامل انسجامی واژگانی

برای بررسی و تحلیل انسجام متن خطبه غدیریه تمامی واژگان و عبارتهای کاربرده شده در متن بررسی شد، سپس واژگان و عناصری که باعث متنیت، وحدت و یکپارچگی

متن شده بودند، محاسبه و ارزیابی و پس از احصا و شمارش، تمامی عناصر (هم‌آیی، تکرار، تضاد و مراعات النظیر) به صورت نمودار نشان داده شدند. از این رو می‌توان گفت دلالت کاربرد واژگان و چرایی کاربرد آن‌ها برای ما آشکار شد. ارتباط معنایی واژگان با یکدیگر در متن خطبه غدیریة قابل توجه است؛ چرا که حضرت هنرمندانه عبارت‌ها و واژگان را در کلام خود به کار برده‌اند که از ارتباط معنایی و احساسی خاصی برخوردارند و مخاطب را از لحاظ ذهنی تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را وادار به تأمل و اندیشه می‌کند. ایجاد فضای معنوی، اعتقادی و حماسی روز غدیر توسط امام رضا (علیه السلام) را می‌توان در گرو چینش واژگان، بافت موقعیت متن و نوع ادبیات به کار رفته در آن دانست. نوع ادبیات در متن خطبه با بررسی واژگان و نحوه به کارگیری آن‌ها در جمله مشخص می‌شود. جملات متن خطبه غدیریة از جهات مختلف باهم انسجام دارند و با هم در ارتباط هستند. برخی عناصر انسجام‌بخش متن به اتفاق و همزمان با یکدیگر در یک بند به کار می‌روند و متنی منسجم و یکپارچه می‌سازند. از این رو می‌توان گفت عناصر انسجام‌بخش واژگانی به خصوص عنصر هم‌آیی، لحن متن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب پیوستگی آن می‌گردند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش عوامل انسجام واژگانی مطابق با نظر هالیدی و حسن در خطبه غدیریة امام رضا (علیه السلام) بررسی شد. در متن خطبه مزبور بیشترین بهره‌گیری از عوامل انسجام واژگانی، متعلق به عامل هم‌آیی با بسامد ۳۰۰ واژه است. عنصر تضاد که از نوع هم‌آیی محسوب می‌شود با بسامد ۱۵ نسبت به سایر عناصر از بسامد کمتری برخوردار است. حضرت در مجموع با میزان بسامد استفاده از ۹۴ واژه توانسته متنی منسجم و پیوسته بیافریند و به این شکل متن وی دارای تسلسل منطقی و روایی گردد.

نکته قابل تأمل در این خصوص اینکه حضرت نه تنها در این خطبه که در سایر سخنان گهربار خود با علم به حال مخاطب و به مقتضای حال و مقام آنان با رعایت عناصر و

مؤلفه‌های مختلف ایراد سخن می‌فرمایند. یافته‌های این پژوهش تنها بیانگر یک زاویه از بلاغت و حسن کلام حضرت است. ناگفته پیداست که بررسی دیگر سطوح عنصر انسجام چون انسجام دستوری ساختاری و غیر ساختاری و انسجام پیوندی غنای بیشتری از سخنان حضرت را نشان خواهد داد.

انسجام و بافت منسجم یک متن تنها صرف هم‌آیی واژگان و رعایت ظاهری برخی مؤلفه‌های زبانی نیست، بلکه روح حاکم بر متن باید برخاسته از ادبیاتی قوی و پخته باشد، امری که به وضوح در این خطبه نمایان است و اگر محدودیت کلام و ضرورت اختصار نبود جلوه‌های بیشتری از استحکام کلام موجود در این خطبه نشان داده می‌شد. در این بین می‌توان به تحلیل عنصر انسجام ساختاری غیر دستوری نیز در این خطبه اقدام نمود که به منظور پرهیز از اطاله کلام پیشنهاد می‌شود این امر در مقاله‌ای دیگر ارزیابی شود. باید اذعان کرد که نظر به فراوانی عوامل انسجام دستوری و پیوندی تطبیق و پیاده‌سازی این عوامل زبانی امری گسترده و خارج از حوصله مقاله حاضر است ولی مجال برای دیگر پژوهش‌ها فراهم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، ابی جعفر. (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا. قم: انتشارات الشریف الرضی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۹۹۶م). إقبال الأعمال. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). مبانی زبان شناسی متن. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- امیری خراسانی، احمد؛ علی نژاد، حلیمه. (۱۳۹۴). «بررسی عناصر انسجام متن در نقشه المصدور بر اساس نظریه هالییدی و حسن». متن پژوهشی ادبی. س ۱۹. شماره ۶۳. صص: ۲۰-۴۱.
- امین عاملی، سید محمد. (۱۴۱۸ق). أعيان الشيعة. بیروت: دارالتعارف.
- پروینی، خلیل؛ نظری، علیرضا. (۱۳۹۴). «زبان شناسی متن و انطباق الگوی انسجام در دیدگاه صاحب نظران معاصر عرب». دو ماهنامه جستارهای زبانی. صص: ۱۲۳-۱۴۶.
- حمیری، عبد الواسع. (۲۰۰۸م). الخطاب والتّصّ. بیروت: مجد.
- سلیمان بن ابراهیم، حنفی قندوزی. (۱۴۲۲ق). ینابیع المودة لندوی القریبی. چاپ دوم. قم: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). موسیقی شعر. چاپ پنجم. تهران: نشر آگاہ.
- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- طالبی، آمنه فاطمه الزهرا. (۲۰۰۸م). إشکالیة حدود الترجمة الآلیة. ترجمة نظام سیستمتران للمتلازمات اللفظیة. جامعه منتوری. الجزائر: کلیة الآداب واللغات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). أعلام الوری باعلام الهمدی. قم: موسسه آل البيت لإحیاء التراث.
- فضل الله، محمد جواد. (۱۳۷۷). تحلیلی از زندگانی امام رضا (علیه السلام). مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قوامی، بدریه؛ آذرخوا، لیللا. (۱۳۹۲). «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعر کوتاه از شاملو». فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی. س ۵. شماره ۱۵. صص: ۷۴-۹۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). اصول الکافی. ج ۸. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- کمائی فر، سعیده؛ جابر، مریم. (۱۳۹۱). «انسجام متن تعاریف در کتاب های درسی دانشگاهی». دوفصلنامه علوم انسانی. شماره ۲. صص: ۲۵-۴۵.
- لاینز، جان. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر معناشناسی زبان شناختی. تهران: گام نو.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). درآمدی به اصول و روش ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مسعود، فروزنده و امین، بنی طالبی. (۱۳۹۳). «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستارهای بلاغی در ویس و رامین». فصلنامه شعر پژوهی. س ۶. ش ۲. صص: ۱۱۷-۱۳۸.
- معتزلی، ابن ابی الحدید. (۱۳۹۳). شرح نهج البلاغه. ج ۱۲. مترجم غلامرضا لایقی. قم: مرکز نشر آیت الله مرعشی نجفی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۷). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. تهران: اسلامیه.
- نعمتی، معصومه؛ ایشانی، طاهره. (۱۳۹۴). «مقایسه کاربست عوامل انسجامی در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده». فصلنامه پژوهش های قرآنی. س ۲۰. ش ۱. صص: ۲۶-۴۷.

- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۷). بدیع‌الزیدگاه زیبایی‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- ولینتی، یونس؛ میرزائی‌الحسینی، سید محمود؛ فرهادی، محمد. (۱۳۹۵). «عوامل انسجام‌متنی در سوره نوح». دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی. شماره ۵. سال ۵. صص: ۶۹-۸۶.

- Halliday, and Hassan. M. A. K. (2002). Linguistic Studies of Text and Discourse. London: Continuum, 6-7.
- _____ M.A.K. (1976). Language. Cohesion in English. London: Longman. 4-6.
- Gutwinski, Waldemar. (1976). Cohesion In Literary Texts. Paris: Mouton. 33.

منابع اینترنتی

- راستانی، بهروز. (۱۳۹۸). انسجام و ابزارهای انسجام‌دستوری. <http://weblogroshdmag.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵.

